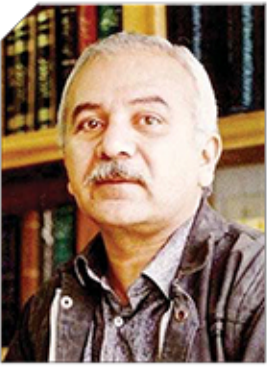


«ام البنین خاوری» یکی از خانم‌های فعالی است که قبل از سقوط نظام جمهوری اسلامی افغانستان، با وجود داشتن وظیفه رسمی، در عرصه‌های مختلف اجتماعی فعالیت می‌کرد؛ از جمله در عرصه فرهنگ، تجارت، اجتماع و ورزش. او با روی کار آمدن حکومت طالبان مثل سایر زنان افغان موقعیتش را از دست داده است.

صفحه ۱۲



چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۱ • ۳۰ شوال ۱۴۴۳ • ۱ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۹۳ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان



به مناسبت تجدید چاپ ترجمه‌ای از احمد میرعلایی
مصاف با ناممکن‌ها

احمد میرعلایی در سال‌های حیاتش حدود سی کتاب به فارسی ترجمه کرد. او از نمونه‌های شاخص مترجمانی است که با انتخاب‌هایش در ترجمه بر جامعه ادبی ایران تأثیر گذاشت و برخی آثارش جریانی را هم در ترجمه و در داستان‌نویسی شکل دادند. ترجمه‌های میرعلایی نشان‌دهنده سلیقه چندوجهی او و شناختش...

صفحه ۱۱

در «شرق» امروز می‌خوانید: تهران و بحران فرونشست زمین، نامه سرکشاده کمیسیون زنان بنیاد عربی را به جای ایران انتخاب کردند

هدایتی راهبردی برای برنامه‌ریزان اقتصادی؛ سرمایه‌گذاران چینی و روس، کشورهای عربی را به جای ایران انتخاب کردند

رفاقت معکوس روسیه و چین

گزارش تیریک را در صفحه ۵ بخوانید



گزارش سفر یک روزه خبرنگاران «شرق» از آوارهای متروپل-آبادان و همدردی با غم‌داغ دیدگان پس تکلیف طاقت این همه علاقه چه می‌شود؟

عکس: اسفند تاکی، شرق

دست‌وپنجه نرم می‌کنند. با وجود گذشت بیش از یک هفته از ترازوی فروریختن متروپل، هنوز اجساد زیادی زیر آوار مانده‌اند و شرایط روحی مردم آبادان اصلاً خوب نیست. با وجود نیاز مبرم به اطلاع‌رسانی لحظه به لحظه از روند آواربرداری، متأسفانه اینترنت در آبادان مدت‌هاست که دچار اختلال است و همین مسئله خبررسانی را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است. آوار متروپل نه تنها روی سر آبادانی‌ها، بلکه روی سر تمام مردم ایران فروریخت و بار دیگر آنها را در عزایی جمعی فروبرد. مردمی که سال‌هاست از فقدان یک شادای جمعی رنج می‌برند و حالا بار دیگر عزادار روزهای تلخی در گوشه‌ای از ایران هستند. گروه جامعه روزنامه «شرق»، با حضور در آبادان پای صحبت خانواده‌های داغدار، نیروهای امدادی و مردمی نشست که نظاره‌گر آواربرداری بودند و متحمل رنجی بودند که مسیبان آن مافیای ثروت و قدرت در آبادان بودند؛ مافیایی که تنها یکی از عواملش برادران عبدالباقی هستند و احتمالاً پای افراد دیگری هم در این فاجعه در میان باشد. ما در این گزارش تلاش کرده‌ایم صدای مردم رنج‌دهنده آبادان باشیم. مردمی که می‌گویند تنها خواسته‌شان مجازات مسیبان این رنج بی‌انتهاست. از شهردار تا مهندس ناظر و شورای شهر و برادران عبدالباقی که عیش خود را روی خرابه‌های ساختند که انسان‌های بی‌گناهی زیر آن مدفون هستند. این گزارش روایتی رنج یک است.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

تصاویر دردم‌تنیده است، رنج‌های بی‌دربی. از نگاه‌های منتظر برای پیدایش یک اثر از مفقودان. از دستان فوری که دور کمر فرزند کوچکش گره شده بود و وقتی پیدایشان کردند، فریادهای «فوزی پیدا شده متروپل را برداشت. از چشم‌های نگران پدر مریم که هنوز اثری از او زیر آوار کافه مری پیدا نشده. از نیروهای امدادی داوطلب تا آتش‌نشان‌های پلاسکو... از مردم سیاه‌پوش تا ماشین‌هایی که روی شیشه‌هایشان بوستر آبادان تسلیت، چسبانده‌اند... روز دوشنبه، دوم خرداد درست ساعت ۱۲:۲۰، ساختمان نوساز متروپل، واقع در خیابان امیری، یکی از پاتوق‌های تفریحی مردم آبادان فروریخت و تا لحظه نگارش این گزارش ۳۸ کشته رسمی از خود به جای گذاشته است. آمارهایی که با تناقض‌های بی‌شماری روبه‌روست و به گفته نیروهای امدادی کارگران افغان زیادی در این ساختمان می‌کنند که هنوز به صورت رسمی افتتاح نشده بود، مشغول کار بودند و متروپل دقیقاً زمان نهار و استراحت آنها فروریخت.

در چنین شرایطی مردم آبادان و خانواده‌های حادثه‌دیدها با بحران دسترسی به خبر موثق نیز

یادداشت

متروپل، خسارت و جبران



حسن سلیمانی
سردفتر اسناد رسمی

از زمانی که یک نفر (میرزا یوسف خان تبریزی) مستشارالدوله تنها راه سعادت ملت ایران را فقط در «یک کلمه» می‌دانست، بیش از ۱۸۴ سال می‌گذرد. آن کلمه «قانون» بود و چنان بر برخی گران آمد که به فرموده، آن کتاب را آن قدر بر سرش کوفتند تا کور شد. هفته گذشته عده‌ای از هم‌پیمان آبادانی زیر آوار غفلت، بی‌تدبیری و سهل‌انگاری برخی مقامات مسئول دفن شدند و نزدیکان آنها مستاصل، اشک در چشم و خون در دل اطراف آوار حلقه زده و منتظر زنده یا مرده عزیزان خود هستند. در فاجعه آبادان، متروپل، ساختمان تازه‌سازی که هنوز به بهره‌برداری کامل نرسیده بود، فروریخت. نگارنده در این نوشتار قصد دارد رخداد را از دیدگاه حقوقی بررسی کند و به‌ویژه مسئولیت حقوقی مسئولان سازه (اعم از مهندسان ناظر، مکانیک و تاسیسات) همچنین شهردار و مقامات ذی‌ربط را واکاوی کند با این نیت که از این واقعه تجربه بیاموزیم. طبق قوانین موضوعه کشور و به‌ویژه قانون شهرداری‌ها بر برخی از مهندسان تکلیف دارند بر نحوه ساخت، کیفیت و مقاومت مصالح و ایستایی سازه‌ها نظارت مستمر داشته باشند. همچنین برخی از مقامات شهرداری

به جهت صلاحیتی که در امر صدور پروانه ساختمان، نظارت در ساخت و نهایتاً صدور گواهی عدم خلاف دارند، طبق قانون تکالیفی دارند که رعایت نکردن آن موجب مسئولیت آنها می‌شود. در این نوشتار برآیند تا عواقب سوء ترک فعل، سهل‌انگاری یا امضافروشی برخی از مهندسان ناظر شهرداری را از منظر مسئولیت مدنی و کیفری بیان کنیم. طبق تبصره هفتم ماده یکصد قانون شهرداری‌ها، مهندسان ناظر ساختمان‌های مکلف‌اند نسبت به عملیات اجرایی ساختمانی که به مسئولیت آنها احداث می‌شود، از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن مستمراً نظارت کرده و در پایان کار مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه و محاسبات فنی را گواهی کنند. هرگاه مهندس ناظر برخلاف واقع گواهی کند و یا تخلف را به موقع به شهرداری اعلام نکند، منجر به مسئولیت، محکومیت و محرومیت ایشان خواهد شد. ناظر به همین مورد قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۹۵ بیان می‌دارد: هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی که قانون برعهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد، آن جنایت حاصل به او مستند می‌شود... همچنین در ماده ۶۱۶ همان قانون هرگونه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی و حتی فقدان مهارت را که باعث سلب حیات از انسانی شود، در ردیف قتل شبه‌عمد به‌شمار آورده و برای آن مجازات یک تا سه سال حبس و پرداخت دیه

۱- رساله یک کلمه، نویسنده میرزا یوسف خان تبریزی

برنامه مجلس برای افزایش رفاه بهارستان‌نشینان

تمایل مسئولان فدراسیون به سفر با وجود هزینه‌های پنجاه برابری

کیش نه، قطر بیشتر خوش می‌گذرد!

تلاش برای مقابله با جوسازی‌های تند علیه تهران

کفت و گویا محسن جلیلود در باره سفر باقری کنی به نروژ

گزارش آژانس و تکمیل پازل فشار

«شرق» در گفت‌وگو با حقوق‌دان حوزه بین‌الملل

یادداشت روزنامه‌نگاران

کجایش را می‌خواهید درست کنید آقای رئیسی؟



سیامک رحمانی

همه حقایق قفل‌کنده شده‌اند، اما چون کسی گوش نمی‌کند دوباره باید تکرارشان کرد.

آندره ژید

پس از فاجعه متروپل آبادان، یکی از اتفاقات قابل پیش‌بینی همین بود که رئیس‌جمهور دستور شناسایی و مقاوم‌سازی بناهای نایلین را بدهند؛ اتفاقی قابل پیش‌بینی و چنان تکراری که بعید است کسی جدی‌اش بگیرد؛ همان‌طور که پس از آتش‌سوزی پلاسکو وعده‌های پرآبوتوانی داده شد و اوضاع همین است که می‌بینیم، به دنبال این دستورات و ادعاها، آنچه رخ خواهد داد، مثل موارد مشابه، تشکیل قرارگاه‌ها و کمیته‌های اضطراری، گرفتن بودجه‌های بزرگ، مدتی سروصدا و چند روز بعد هم فراموشی است. همه می‌دانیم با این دل‌آشوبه‌های مقطعی، انتقالی رخ نخواهد داد و نه‌ایمن‌سازی ساختمان‌ها و نه اصلاحات دیگر جدی گرفته نخواهد شد. دلایلش هم به اندازه همان دستورات، تکراری و نخبه‌ناست، ساختاری که اجازه می‌دهد ساختمان متروپل در این همه سال و با این همه تذکر تا آن ارتفاع بالا برود، با دستگیری چند نفر و با بگیر بینه و به صراط مستقیم هدایت نمی‌شود. سیستمی فسادخیز نه مقابل قوانین قدیمی و تازه سر خم می‌کند، نه به خشم و عتاب مسئولان اهمیتی می‌دهد اگر نیت و اراده جدی وجود نداشته باشد. اراده‌ای که شاهدش نیستیم؛ چراکه اگر وجود داشت، امروز آمارها از صدها و هزاران ساختمان نایلین در تهران حکایت نمی‌کرد. اراده اگر بود، برج‌های تهران روی گسل بنا نمی‌شدند، در شیراز «هتل آسمان» مقابل همه قفل نمی‌شد و اخبار از ۱۳۵ متروپل در مشهد، صدها متروپل در تبریز و ده‌ها هزار متروپل در دیگر شهرهای کشور نمی‌گفت. اینها یک‌شبه ساخته نشده‌اند و یک‌شبه هم ناپدید نخواهند شد. تا وقتی که فساد در رک و بی مدیریت کشور ریشه دوانده و نیتی برای اصلاح و قبل از آن برای پذیرش این بحران وجود نداشته باشد، آب از آب تکان نخواهد خورد.

چه کسی می‌خواهد مقابل این سیل بایستد؟ همین آبادان را ننگه کنید، از پایین تا بالا کمک کرده‌اند تا فاجعه شکل بگیرد؛ از بسازوفروش تا شهرداری و این نهاد و آن ارگان، از مجری تا نهاد نظارتی، اگر بخواهید تا تیش بروید باید برسید چه کسی تا امروز بر این نهادها، بر این ادارات و شوراهای مناطق آزاد اشراف داشته و چه ارتباطات پنهانی وجود داشته است؟ آن سفارش‌ها را چه کسی کرده و مهرا و امضاهای ظالمان را چه کسی پای مجوزهای مرکب‌دار انداخته؟

آقای رئیسی هم البته می‌دانست که این حکم‌کردن‌ها برای انجام وظیفه و از سر ناچاری است؛ اگر نه در یک سال گذشته تمام دستورات فوری و انقلابی که داده‌اند به کجا رسیده؟ به یکی از آنها عمل شده بود، امروز ایران کشور دیگری بود. آقای رئیسی قاعدتاً متوجه شده‌اند که کاری از دست کسی بر نمی‌آید. حتی ساخت‌وساز ناامن و غیرمجاز را هم نمی‌شود سامان داد، چه برسد به فرونشست زمین و بحران آب و شرایط اسفناک اقتصادی.

ادامه در صفحه ۳